

خبر رئیس‌جمهور در گذشت محمدرضا شجریان را تسلیت گفت

بخش فرهنگی– حسن روحانی در پیامی با تسلیت درگذشت استاد شجریان گفت یقیناً ملت قدرشناس ایران، نام و یاد و آثار این هنرمند محبوب را همواره در خاطرها، زنده نگاه خواهد داشت. متن پیام تسلیت حجت‌الاسلامالمسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است: «اللّٰهُ وَاٰلِٖهٖ رَاجِعُوْنَ

درگذشت استاد آواز ایران و هنرمند نامدار محمدرضا شجریان، موجب تأثر و تألم فراوان گردید. این چهره برجسته هنری و آفریننده ماندگارترین نواهای دلنشین ایرانی و خواننده ربنای رمضان، با ذوق هنرمندانه و تلاش فراوان، میراث ارزشمند و پرچانده‌ای از خود به یادگار گذاشت. یقیناً ملت قد-شناس ایران، نام و یاد و آثار این هنرمند محبوب را همواره در خاطرها، زنده نگاه خواهد داشت. اینجانب این ضایعه را به خانواده محترم و همه علاقه‌مندان و دوستانران ایشان، خصوصاً جامعه هنری کشور تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ برای آن مرحوم، رحمت و غفران الهی و برای عموم بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت دارم.»

●●●●●

وزیر ارشاد:

نوای استاد شجریان، تاریخ حس و حال ایرانیان در نیم‌قرن گذشته است

بخش فرهنگی– سید عباس صالحی در پی درگذشت محمدرضا شجریان در پیامی فقدان استاد آواز ایران را تسلیت گفت.

متن پیام سید عباس صالحی بدین شرح است:«در گذشت ترنم ماندگار ایران استاد محمدرضا شجریان موجب تأثر و تأسف عمیق گردید، شجریان نمای موسیقی اصیل ایرانی و از نمادهای هویت هنری این سرزمین است، وجوه متنوع استاد فقید، در کنار هوشمندی کم‌نظیر او در انتخاب مناسب از گنجینه گران‌بهای شعر و ادب فارسی، آواز و موسیقی او را جاودان و نامیرا ساخت. بخش مهمی از ادبیات ایران با نغمه او در گوش و جان نسل جوان و نوجوان راه یافت و آنان را با حکمت و ادب این سرزمین پررگهر آشنا و همراه ساخت. نوای استاد، تاریخ حس و حال ایرانیان در نیم‌قرن گذشته است. آثار او بازتاب حسرت‌ها و امیدها، نگرانی‌ها و دل‌بستگی‌ها و در یک کلام حال و هوای مردم خوب کشورمان بود. اینجانب فقدان این هنرمند گران‌مایه را به جامعه بزرگ هنری کشور، عموم علاقه‌مندان و به‌ویژه به خانواده محترم استاد شجریان، تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال رحمت واسعه و آramش ابدی برای آن مرحوم و صبر و بردباری بازماندگان معزز را آرزومندم.»

●●●●●

صحبت‌های همایون شجریان در مراسم تشییع پدرش در تهران

بخش فرهنگی– مراسم تشییع و نماز بر پیکر استاد محمدرضا شجریان صبح دیروز در بهشت زهرا برگزار شد.

در مراسم تشییع و نماز بر پیکر استاد محمدرضا شجریان، همایون شجریان فرزند این استاد بزرگ عرصه موسیقی کشور در سخنان کوتاهی گفت: رفتن پدر را باور ندارم یا نمی‌توانم یا نمی‌خواهم. وقتی در برابر تابوت او می‌ایستم گویا در مزار مولانا ایستاده‌ام؛ زیرا پدر برای من شبیه مولاناست. وی ادامه داد: اگر بخواهم در یک جمله محمدرضا شجریان را توصیف کنم این است که آدم‌های بزرگ مثل او به این کره خاکی می‌آیند تا پیامی را بیاورند و خوش به حال کسانی که این پیام را دریافت می‌کنند. همایون شجریان افزود: همانطور که جلوی بیمارستان جم عرض کردم و در اینستاگرام هم به اطلاع رساندم، پیکر ایشان به مشهد عزیمت داده خواهد شد و در آنجا مراسم تشییع پیکر با رعایت مسائل عمومی بهداشتی انجام می‌شود.

وی در پایان برای همه آرزوی سلامتی کرد و گفت: امیدوارم این مراسم باعث آسیب کسی نشود و از همه ملت ایران سپاسگزاریم.

همایون شجریان همچنین در واکنش به اظهارات برخی افراد که قبول خاکسپاری استاد شجریان در مشهد را به دلیل برخی فشارها دانستند، گفت: هیچ فشاری در این زمینه نیست. همایون شجریان در مورد خاکسپاری استاد شجریان گفت: نمی‌خواهم این اتفاق تبدیل به کارزار کشمکش‌های سیاسی شود. اگر به سلیقه شخص من بود می‌خواستم پدر در باغ هشتگرد خاکسپاری شود، اما وقتی صحبت شد که شأن ایشان به عنوان یک شخصیت ملی کجاست، من و خانواده به گزینه آرامگاه فردوسی رسیدیم و این تصمیم خانواده است. می‌خواستیم ایشان در جایی باشند که در شأن خودشان و مردم ایران باشد.

●●●●●

بازتاب خبر درگذشت استاد آواز ایران در رسانه های خارجی

بخش فرهنگی– برخی رسانه های خارجی با انتشار خبر و گزارش به در گذشت محمدرضا شجریان – هنرمند موسیقی ایران – پرداختند. رسانه های شناخته شده بین المللی همچون رویترز، گاردین، بی بی سی، فرانس ۲۴، سی بی اس، وب سایت رادیو ملی آمریکا و رادیو و تلویزیون ملی ترکیه، خبر درگذشت محمدرضا شجریان، هنرمند موسیقی ایرانی در عرصه موسیقی را پوشش دادند و به تجمع طرفداران وی در مقابل بیماراست محل بستری اش اشاره کردند.

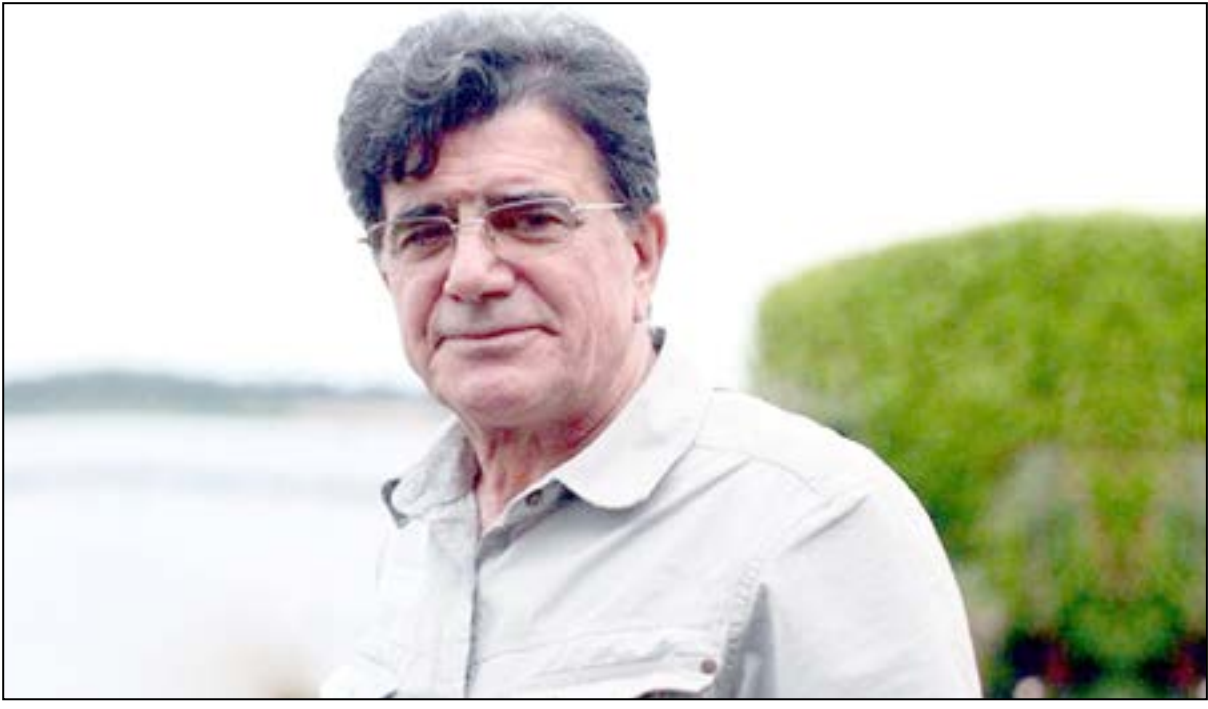
●●●●●

پیام محمود دولت‌آبادی در سوگ محمدرضا شجریان

بخش فرهنگی– محمود دولت‌آبادی در پیامی درگذشت محمدرضا شجریان را تسلیت گفت و نوشت: یادش زنده و زنگ صدایش همیشه این نویسنده در یادداشتی که در پی درگذشت «خسرو آواز ایران» به طور اختصاصی در اختیار ایسنا قرار داده، نوشته است: «محمدرضا شجریان درگذشت، تسلیت، تسلیت – وابستگان و پیوستگانی که نیم قرن با زنگ صدای او، با فهم اهمیت شعر در صدای او، و خوشایوندی دوباره با شیوه‌های دستگاهی صدای او به واقع زیستند و خواهند زیست. مردمی که اکنون می‌گرد. اما تلخی پایان زندگی شجریان منحصر به این کمتر از یک سال اخیر نبود که با گرمای خانواده، دلدادگی پزشکان مجرب و علم پزشکی زنده نگه داشته شد. تلخی عمیق‌تر آن بود که هنرمند ممتاز آواز ایران در اوج کمال‌یافتگی، حضور و بانگ بی‌ظنیرش دریغ شد از مردمی که اکنون به سوگ او نشستند و اشک می‌ریزند. دیگر این‌که چون محمدرضا شجریان از هنر خود، یعنی از زندگی منع شد، ندیدم و نشنیدم همکاران وی، ارباب هنر موسیقی دمی آشکار به شکوه برآوردند و دریغاف نشنیدم برخی ذوق‌زده و طلعن‌زن هم شدند که این خود چیزی جز نشان فرومایگی نبود. باری… هیچ نفوسی همیشه زنده نخواهد ماند، اما در این «بر نسّمه نقاله زمان» گذر داشتن خوب است که آبرومندانه گذری باشد، چنان که شجریان (سیاوش) گذر کرد. روان او شاد

یادش زنده و زنگ صدایش همیشه»

{فرهنگ و هنر }



بدرود خسرو آواز ، برو آنجا که تو را منتظرند

جان از تن آواز رفت

محمدرضا شجریان در جشنواره جهانی آواز در تهران، شهریور ۱۳۸۷

بخش فرهنگی– خبر درگذشت استاد محمدرضا شجریان، هرچند به سبب دوره طولانی‌مدت بیماری او غیرقابل پیش‌بینی نبود اما باز هم دوستانران او را در سراسر ایران اندوهگین و غمگین کرد. افراد زیادی راه یافت و تأسف مختلف که اخیراً مربوط به محمدرضا شجریان را نه به خاطر حضور هر روزه‌اش روی آنتن تلویزیون –که سال‌ها بود از آن دور شده بود– و نه به خاطر حاشیه‌هایش در فضای مجازی دنبال می‌کردند. آنها شجریان را دوست داشتند چون خود را «فرزند ایران» و «خاک پای مردم ایران» خواند و این عناوین نه فقط حرف و شعار بودند که در عمل هم بارها به مردم ثابت شدند.

محمدرضا شجریان در طول عمر ۸۰ساله خود تصاویر بسیاری در ذهن مردم به جای گذاشته است. این ده قاب اما انتخاب خیر‌انالدین از زندگی پرپار این استاد بزرگ است که در ادامه می‌خوانید.

شجریان و قرائت قرآن

یکی از ویدئوهایی که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فارسی به شدت بازشر شده، ویدئوی قرائت قرآن استاد شجریان در مراسم ختم پدرش است. به‌یادماندنی‌ترین تلاوت محمدرضا شجریان که در خاطر همه مانده اما «رینا» است. آوای خوشی از آیات قرآنی که با صدای محمدرضا شجریان و در دستگاه سه‌گاه خوانده شد و در ماه رمضان پیش از افطار از تلویزیون و رادیو پخش می‌شد. تاریخچه «رینا» به سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد. زمانی که شجریان مامور می‌شود تا مناجات‌هایی را با صدای هنرمندان جوان برای رادیو تلویزیون ضبط کند. او برای اینکه نمونه‌ای برای شاگردانش ارائه دهد، «رینا» را می‌خواند. در پایان کار همه نمونه‌هایی که از هنرمندان جوان ضبط کرده را تحویل رادیو تلویزیون می‌دهد. در ماه رمضان همان سال اما در کمال تعجب این صدای خودش است که پیش از افطار از تلویزیون پخش می‌شود و تا سال‌ها بعد هم ماندگار می‌شود. آوایی که هوشنگ ابتهاج دوباره آن می‌گوید: «این کاریه که می‌توننی دستت بگیرِی و ببری به تمام کشورهای عربی و با افتخار بگی، اگه می‌تونین مثل‌این بخونین … این کار نظیر نداره.»

محمدرضا شجریان و شورش با سایه و لطفی

گروه عارف و شیدا که با حضور محمدرضا شجریان، محمدرضا لطفی و هوشنگ ابتهاج در رادیو تلویزیون ملی ایران فعالیت می‌کردند، در سال ۱۳۵۸ و فردای کنتار جمعه سیاه (۱۷شهریور۵۷) و در اعتراض به واقعه اسفناک سینمارکس

محمدرضا شجریان در جشنواره جهانی آواز در تهران، شهریور ۱۳۸۷



آبادان، با انتشار متنی که محمدرضا لطفی آن را نوشت، هوشنگ ابتهاج کمی تلطیفش کرد و در نهایت به خط محمدرضا شجریان بازنویسی شد، درحقیقت نامه استغفای محمدرضا شجریان و دوستانش از زادبو و تلویزیون و ایستادن آنها در کنار مردم بود. آنها پس از آن در کانون چاووش به فعالیت خود ادامه دادند و به انتشار قطعاتی پرداختند که اغلب آنها فضای انقلابی داشت و به شور انقلابی مردم کمک می‌کرد. گرچه بعدها گفت‌وگویی از محمدرضا شجریان منتشر شد که از این می‌گفت که در آن سال‌ها به اندازه بقیه انقلابی نبوده و برخی تفکرات چپ انقلابی را قبول نداشته است.

پرویز مشکاتیان بهترین دوست

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری زندگی محمدرضا شجریان همکاری و دوستی او با پرویز مشکاتیان است. این رفاقت به قدری نزدیک می‌شود که شجریان بعدها در گفت‌وگویی دراین‌باره می‌گوید: پرویز را مثل پسرم دوست داشتم.

در این دوره از زندگی شجریان و مشکاتیان چند آلبوم بسیار مشهور عرضه می‌کنند. «پیداد»، «بر آستان جانان»، «نوا (مرکب‌خوانی)»، «دستان ماهور (سر عشق)». این آلبوم‌ها نوید رفاقتی طولانی بین این دو هنرمند را می‌دهد اما در نهایت این دوستی هم به اختلاف می‌خورد و محمدرضا شجریان و پرویز مشکاتیان هر کدام با گروه‌های دیگری شروع به همکاری می‌کنند. در این دوره فراق به زعم تعداد زیادی از کارشناسان موسیقی هیچ‌کدام از این دو هنرمند نتوانستند توفیقی که در همکاری با هم داشتند را تکرار کنند. در همین سال‌ها آلبوم‌های «دود عود»، «گنبد مینا» و «جان عشاق» از این دو منتشر می‌شود که در زمان همکاریشان ضبط شده بود. در سال‌های بیماری محمدرضا شجریان هم در ابتدا «طریق عشق» و پس از آن «خراسانیات» از همکاری‌های قدیمی این دو هنرمند به بازار موسیقی عرضه شد.

محمدرضا شجریان و پرویز مشکاتیان آنقدر از نظر روحی و فکری با هم نزدیک بودند و سلیقه ادبی و هنری‌شان با هم می‌خواند که گفته می‌شود زمان ضبط آلبوم موفق «پیداد» یک شب زمانی که پرویز مشکاتیان در حال نواختن سنتور بوده و محمدرضا شجریان حافظ از ورق می‌زده یک‌باره با هم یک قطعه می‌سازند و صبح فردای همان روز آن قطعه را در استودیو ضبط می‌کنند.

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۹

محمدرضا شجریان در قاب سینما

«دلشدگان» ساخته علی حاتمی اولین کار سینمایی است که کارگردان آن برای بخش موسیقی به سراغ حسین علیزاده و محمدرضا شجریان می‌رود. فیلم درباره گروهی است که برای ضبط قطعات موسیقی به اروپا سفر می‌کنند. تصنیف‌هایی که شعر آنها را علی حاتمی سروده بود و فریدون مشیری به لحاظ فن شعر آنها را تایید کرده بود. محمدرضا شجریان آوازهای این فیلم را براساس اشعار حافظ و سعدی خواند. محمدرضا شجریان اما برای حضور در این فیلم یک شرط مهم می‌گذارد؛ اینکه بازیگر نقش فیلم زمان پخش صدای او لب نزند. پس از این فیلم در تیتراژ «زمستان است» هم نام محمدرضا شجریان دیده می‌شود. فیلم بعدی که داستان پسری در خانواده مذهبی است که حس و حال او با آوازها و ترانه‌های شجریان روایت می‌شود «بجد» ساخته سال ۸۱ است که هیچ‌گاه که در ایران به نمایش درنیامده است. ابوالفضل جلیلی کارگردان این فیلم سینمایی است که تاکید دارد تهیه‌کننده خارجی فیلم از او خواسته که حتما رضایت محمدرضا شجریان را برای استفاده از صدای شجریان گرفته است. یک قاب سینمایی دیگر از محمدرضا شجریان، زمانی است که اصغر فرهادی برای فرش قرمز فیلم «فروشنده» در فستیوال کن آهنگ «دلشدگان» را انتخاب می‌کند. او که در فیلم «جدایی نادر از سبمن» هم به نوعی علاقه خود به استاد شجریان را نشان داده بود، برخلاف روال که برای فرش قرمز هر فیلم از موسیقی خود فیلم استفاده می‌شد برای فرش قرمز «فروشنده» اثری از محمدرضا شجریان را انتخاب کرد.

اعتراض به صداوسیما برای رعایت نکردن حقوق مولف

محمدرضا شجریان علاوه بر نامه‌ای که سال ۵۸ برای صداوسیماى وقت نوشت، دو بار دیگر در سال‌های ۷۴ و ۸۸ هم نامه‌هایی را به روسای وقت صداوسیما نوشت که از میان این دو نامه‌ای که او در سال ۷۴ و خطاب به علی لاریجانی نوشت از دیگری مهم‌تر است. محمدرضا شجریان در این نامه به خاطر رعایت نکردن حقوق مولف به علی لاریجانی اعتراض می‌کند و در کنار این موضوع نسبت به اوضاع موسیقی در تلویزیون هم انتقاد می‌کند. مهم‌ترین بخش این نامه که بعد از ممنوعیت پخش صدای محمدرضا شجریان مخالفان او سعی کردند نادیده‌اش بگیرند اما بخشی است که استاد شجریان ربن‌ا را از میان آثارش مستثنی می‌کند و آن را متعلق به مردم می‌داند و می‌نویسد: به صراحت اعلام می‌کنم که مایل نیستم صدای من از صدا و سیمایی پخش شود که بی‌اعتنا به حقوق هنرمندان است.قاطعانه از جنابعالی می‌خواهم دستور دهید هیچ اثری از من مطلقاً از رادیو و تلویزیون پخش نشود.چون در ماه مبارک رمضان هستیم ،تنها، به احترام این ماه مبارک و ادای دین به نیک سرشتی مردمی که در دامان آن‌ها پرورش پیدا کرده ام ،پخش «مناجات» و «رینا» را اجازه می‌دهم. محمدرضا شجریان که از ابتدای شهرنش از سیاست خود را دور نگه داشته بود، سال ۸۸ و در ماجراه‌ای پس از انتخابات، در یک سمت جنجال‌های آن روزها قرار گرفت. او در پاسخ به رئیس جمهور وقت که معتزانش را خس و خاشاک خوانده بود، خود را صدای خس و خاشاک نامید و همین موضوعی سرآغاز جنجالی شد که تا زمان درگذشت این هنرمند ادامه داشت. پس از آن بود که کنسرت‌ها و فعالیت‌های این هنرمند در زمینه موسیقی لغو شد و از ماه رمضان همان سال پخش ربن‌ا پس از ۳۰سال از تلویزیون قطع شد.

پیام نوروزی که کامنان را تلخ کرد

نوروز سال۹۵ بود. زمانی که محمدرضا شجریان پس از مدت‌ها که از او خبری نبود در یک ویدئوی کوتاه سال نو را به همه مردم ایران تبریک گفت. چهره او که در آن زمان ۷سال بود که از تلویزیون دور شده بود، با سری تراشیده مقابل دوربین قرار گرفت و از مهمانی پانزده ساله گفت که او را مجبور کرده مواهیش را بتراشد. مهمانی به نام سرطان که قرار گرفتن اسمش در کنار نام بزرگ استاد شجریان کام دوستانران هنر ایران را تلخ کرد. بیماری سرطان کلیه که از سال ۸۰ آغاز شده بود و در این ۴سال اخیر اوج گرفته بود و در نهایت منجر به درگذشت این استاد آواز ایران شد و دوستانران‌ش را در سوگ او نشانند.

قاب آخر؛ بدرود خسرو آواز

پس از ویدئوی تلخ سال۹۵ و اعلام خبر دست و پنجه نرم کردن استاد محمدرضا شجریان با بیماری، دیگر کمتر عکسی از او در فضای مجازی منتشر شد. با درایت همایون شجریان و دیگر اعضای خانواده‌اش عکسی از محمدرضا شجریان در بستر بیماری خوراک لایک گرفتن بیخ‌های اینستاگرامی نشد و تصاویری که از او در صفحات رایان، مژگان و همایون شجریان منتشر شد همه حکایت از شادی و سرزندگی این استاد بزرگ داشت و محمدرضا شجریان چهره ماندگار عرصه هنر با همین تصاویر پرآمید در اذهان دوستانران هنر ماند. انتخاب ما برای قاب آخر این گزارش هم همین تصویر است. تصویری که در اردیبهشت ۹۶ همایون شجریان از پدر در باغ خانوادگی‌شان منتشر کرد. تصویری که برایش می‌نویسیم: بدرود خسرو آواز ایران؛ به فرشته‌ها به باران، برسان سلام ما را…

شعر استاد شفیعی کدکنی برای درگذشت محمدرضا شجریان

 پایور .. به شبهای نیشابور می‌اندیشد..		 بالبخند شیطان شکنش
 بنان و طاهر زاده و ظلی سر در گوش قمر نجوا		 خسته و غبار آلود...
 چه بزمی شود امشب به بهشت		 همه بر می‌خیزند...
 حافظ به پیشباز سیاوش بر در ایستاده		 جز پرویز به پشت سنتور
 بابا طاهر آب و جارو و کلاب پاشی می‌کند		 سیاوش به در گاه می‌رسد
 خیام سر خم گشاده.. به انتظار.. که پیاله ی اول به میهمان تازه رسیده تعارف کند...		 لطفی بلند بالای بهشت نغمات مضراب در ریاب می‌کند
 سعدی به صدر مصطبه دیوان اشعار گشاده		 با اشاره حافظ
 و مخده ها را برای میهمان واریسی می‌کند و چشمش به حافظ		 همه دم می‌گیرند:
 که بیقرار بر در ایستاده..		 ولی سیاوش دل کنده ازایشان..
 بر گوشه ی راست		 سرودش در کلو ناله کردند
 جلبل و فرهنگ بچیهاشان را کوک می‌کنند		 ولی تمام شد دیگر..
 در گوشه ی چپ		 پرویز جان.. آن شعری که دادمت
 حیبب و پرویز کمان ها به صمغ می‌سایند..		 سرودش کردی..
 در وسط محفل		 سازها برادرید..
 بر قالی بیمارستان..		 و بنوازید...
 مشکات و لطفی لبخند زنان اند به انتظار.. و سازها		 و خود شروع می‌کند و بهشتیان همه در دم، با
 را به ملاطفت و ادب در آغوش می‌فشردند..		 حافظ دم می‌گیرند...
 رهی و فریدون ، سیکار دود می‌کنند ..		 سیاوش خسته از راه رسید..

کشتی آرزو دراین دریا ، نفکند هیچ صاحب فرهنگ

تیر کمان شاه خریداری کنند. هنگامی که با اینان گفتگو کنید می‌گویید فرهنگ

بهترین زمان های جوانان را اشغال می‌کند و در انتها جز یک مدرک ناکارآمد چیزی به دست جوان نمی‌دهد. چرا باید انتظار داشته باشیم که به جای قلیان کتاب به دست بگیرند؟! فرهنگ ابتدا توسط اصحاب فرهنگ و صاحب اندیشه و هنرمند به بی‌راهه رفت ، گاه شدید ترین حمله بد دفاع کردن است.قبول کنیم که فرهنگ را در پهنه ی اجتماع نگسترانیدیم و در قیض و ید خود نگه داشتیم .امروز که برای مبارزه با ابر چالشی مثل کرونا فرهنگ لازم است نداریم و آنچه که به جایش داریم بی توجهی، دهن کجی به پروتکل های بهداشتی است.تا زمانی که کتاب خوانی نوعی فاصله گرفتن از عوام تلقی می‌شود و باید در قبض عدۀ ای باقی بماند وضع بر همین منوال است.نشانی مشکلات همین جاست در داخل، در درون خودمان که درون یکایک افراد اجتماع. اگر از امروز تصمیم بگیریم که اقتصادمان را ترمیم کنیم و نجات دهیم شاید در یک برنامه کوتاه مدت پنج ساله بشود به نقطه روشنی رسید، اما برای نجات فرهنگ و گسترش عادات پسندیده به عنوان کار فرهنگی چندین دهه هم کافی نیست.ما بزرگترین مشکلاتمان در نبود فرهنگ است حتی اگر ادعا می‌کنیم که تاریخ باستانی داریم و فلان بودیم و بهمان.امروز کرونا و عواقبش بیدای می‌کند، اما بدتر و ترسناک تر از کرونا حرص و ولع کسانی هست که حتی تا همین چند سال پیش تصور نمی‌کردند میلیاردر شوند اما به لطف همین خلاق فرهنگی خیلی‌ها میلیاردر شدند.میلیاردرهایی که دوست دارند میلیارد جمع کنند اما همه چیز را به قیمت

تیر کمان شاه خریداری کنند. هنگامی که با اینان گفتگو کنید می‌گویید فرهنگ چیست؟ و اصلا به چه دردی می‌خورد؟ و مثالشان هم این است شما که این همه فرهنگ فرهنگ می‌کنید چقدر مال و اموال دارید؟ چند تا سکه دارید؟ چند ده هزار دلار پول دارید؟ چند تا خانه و ویلا و باغ و باغچه دارید؟ ماشین شما چیست؟ ووقتی فرهنگ که ماییت بلکه وسیله و ابزارند تا انسان زندگی بهتری و در کفه دیگر مادیات و حرص و ولع و مال و اموال بگذاریم معلوم است که فرهنگ شکست می‌خورد.چراکه اساس این قیاس درست نیست و اصطلاحا می‌گویید قیاس مع الفارق.ما قبل از آنکه اقتصادمان کوچک شود و با رشد منفی متلاشی شود فرهنگمان بوسید و دارد از بین می‌رود. تنها راه حل عبور از این بحران اجتماعی و پیچ تاریخی تکیه بر فرهنگ است و آگاهی بخشی عمومی که پول و ثروت و هدف نیستند بلکه وسیله و ابزارند تا انسان زندگی بهتری کند. نه فقط فرهنگی بودن و از اجتماع بریدن پسندیده است و کار فرهنگی ، ورنه فرهنگ را فراموش کردن و فقط به فکر جهش ناگهانی بودن. امروز برای ثروت داشتن باید آگاهی داشته باشیم تا تیشه به ریشه سرزمین خودمان نزیم. برای همین علت است که ما مردمان خوشحالی نسبتیم حتی اگر نسبت به چند سال قبل زندگی مادری بهتری داشته باشیم چون ناگهیم چون خوشحالی یک فرایند درونی است، یک شخص فرهنگی از داشتن آگاهی خرسند است و خوشحال و به شدت باور دارد به انصاف و اعتدال .